

امکان قصاص مرد شکنجه‌گر بررسی می‌شود

کارشناسان پزشکی قانونی امکان قصاص چشم و انگشتان سردی را که در جریان حادثه‌ای هولناک همسرش را تا پرتگاه مرگ کشانده‌بود، بررسی می‌کنند.

به گزارش «جوان» ۲۵ آبان سال ۹۹، مأموران پلیس تهران از زخمی شدن زن میانسانی به نام پوران در خانه‌اش در خیابان ایثار باخبر و در محل حاضر شدند. شواهد اولیه نشان می‌داد آن زن با ضربات قمه از سوی شوهرش محسن زخمی و راهی بیمارستان شده است. پوران بعد از چند عمل جراحی و در حالی که به‌طور معجزه‌آسایی زنده‌مانده بود از شوهرش شکایت کرد. او که چشم راستش کور و انگشتان دستش قطع شده‌بود، گفت:قبل از ازدواج، دانشجوی حقوق و کارمند یکی از ادارات دولتی بودم. وقتی محسن به خواستگاری‌ام آمد، قول خوشبختی داد. با این وعده دروغ درس و کارم را رها کردم، اما بعد از ازدواج متوجه شدم مرد شوری است. مدام با هم درگیر بودیم طوری که زمان زایمان، خانه پدرم بودم. وقتی دو قلوه‌ها دنیا آمدند، فریبم داد و به‌خانه برگشتم، اما بعد از دوماه، مدعی شد دخترمان فرزند او نیست. او برای اینکه آرام دهد بچه‌ها را از پایشان اوزان می‌کرد و می‌گفت باید بگوییم بچه‌ها متعلق به چه کسی هستند!

این زن ادامه داد: همسرم دو بار بینهی دخترم و دوبار هم دنده و سر مرا شکست. شهریور سال گذشته وقتی دنده‌هایم را شکست از او شکایت کردم، اما او با یک حقوقی آزاد شد. وقتی فهمیدم آزاد شده‌است، از ترس به‌خانه برگشتم تا این که آبان‌ماه گفت خانه را ترک کرده‌است و من هم به خاطر اینکه دخترمان به کرونا مبتلا شده‌بود برای مراقبت از او به‌خانه برگشتم. غروب روز حادثه در خانه بودم که متوجه شدم محسن به‌خانه برگشته است. در راه روی پاش تا نکرده، اما او با شکستن پنجره‌ها وارد خانه شد. او با قهقهه‌ای که دستش بود یک ضربه به پشت پایم زد سپس چند ضربه هم به سر و دستم زد. بیهوش نقش بر زمین شدم که سه روز بعد فهمیدم در بیمارستان هستم. با مطرح شدن شکایت شوهر آن زن دستگیر شد و پرونده با کامل شدن تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

■ **درخواست قصاص**

در اولین جلسه محاکمه ابتدا زن میانسال بار دیگر ماجرا را شرح داد و برای متهم درخواست قصاص کرد. سپس دختر متهم در جایگاه قرار گرفت و با شکایت از پدرش گفت: رابطه پدر و فرزندی چیزی جز جنک و فحش ندادیم. او متلاف نامش و روزی بود و وقتی هیئت می‌رقم قضایی می‌شد، هیچ وقت به‌او به‌خاطر جایگاه پدری بی‌احترامی نکردم. اما حالا برای او اشد مجازات می‌خواهم.

سپس پسر خانواده در جایگاه قرار گرفت و گفت: پدرم در این سال‌ها فقط پنج سال کار مفید کرد. بقیه این مدت با زندگی روی دوش مادرم بود. او اعتیاد شدید داشت وقتی او را به کمپ بردم خانواده‌اش به اتهام آدم‌ربایی از من شکایت کردند. یک بار هم وقتی با خواهرم به کربلا رفته بودیم وقتی برگشتم به خاطر این سفر بینهی خواهرم را شکست. از دیدن مادرم در روز حادثه وقتی انگشتانش را داخل بخ گذاشتم و سرش را روی دستم گرفتم هر شب قرص آرام‌بخش می‌خورم.

■ **دومین جلسه محاکمه و انکار اتهامات**

دومین جلسه محاکمه روز گذشته در همان شعبه تشکیل شد. با اعلام رسمیت جلسه نماینده دادستان بار دیگر برای متهم به اتهام توهین به مقدسات، شروع به قتل عمدی، جرح عمدی و قطع عضو درخواست اشد مجازات کرد. در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و گفت: اتهامات را قبول ندارم. متهم در باره درگیری با خانواده‌اش گفت: روزی همسرم دیر به خانه آمد وقتی دلپیش را پرسیدم جواب سربالا داد. عصبانی شدم و یک گلدان به سرش زدم. پسرم نیز مرا به کمپ برد و سه روز در آنجا زندانی بودم. طوری شده بود در خانه اسپیش و امنیت نداشتم این شد که آنجا را ترک کردم.

متهم در باره روز حادثه گفت: روزی سایت‌ها را می‌دیدم که در یکی از آنها تصاویر نامناسب همسر و دخترم را دیدم. به خاطر مصرف مواد حالت عادی نداشتم آن تصاویر حالم را بدتر کرد این شد که قمه را برداشتم و به طرف خانه‌ام رفتم.

او در آخر گفت: بشیم‌ام و نباید همسرم را اینچنین کتک می‌زدم. باید اجاره می‌دادم گذر زمان همه چیز نامشخص کند. متهم در ادامه دو وکیل متهم از دفاع گفتند و یکی از آنها گفت: متهم در جنگ دچار موج گرفتگی شدیدی شده‌بود و در این سال‌ها توهमत زیادی وارد. او سابقه بر خاشنگری و خودزنی هم دارد. در این پرونده او یکبار هم به پزشکی قانونی ترفته‌است. در پایان هیئت قضایی ادامه رسیدگی را به تاریخ دیگری موکول کرد تا با توجه به درخواست قصاص از سوی شاکئی و درخواست وکیل متهم، کارشناسان پزشکی قانونی متهم نظر کنند تا مشخص شود امکان قصاص وجود دارد یا نه. به این ترتیب جلسه محاکمه بعد از نظر به کارشناسان در تاریخ دیگری در همین شعبه برگزار خواهد شد.



شکوه همدلی مردم ایران در تشییع ۲ کودک افغانستانی

بناگاه‌های خبری بی‌بی‌سی، اینترنشنال و دیگر شبکه‌های معاند، چشم‌ها پیشان را به حقیقت حضور هزاران نفر از مردم ایران در تشییع باشکوه دو کودک افغان بستند. این دسته از شبکه‌ها که با وقوع هر حادثه با راندگی سیاه‌نمایی، جریان‌سازی و فاصله‌گذاری بین مردم هستند، این بار از قرار گرفتن مردم ایران در کنار مردم افغانستان در شوک فرو رفتند. تلاش برای سیاه‌نمایی در وقوع حوادث، رویکردی بوده که از سوی رسانه‌های معاند دنبال شده‌است. در حالی که بروز حادثه، اتفاقی است که در هر جای دنیا در حال روی دادن است، نگاه به اتفاق‌هایی که در ایران رقم می‌خورد برای رسانه‌های معاند در قالب خوراک رسانه‌ای معنا پیدا می‌کند و زمانی که پای یک مهاجر افغان در میان باشد، تلاش آنها برای فاصله‌گذاری بین دو ملت شتاب بیشتری پیدا می‌کند. رفتار غیراخلاقی این رسانه‌ها زمانی برای مردم معنا

پیدا می‌کند که پس از سرقت خودروی سواری با خیال راحت در حال فرار بودند. فکرش را نمی‌کردند با تمام شدن بنزین خودرو گرفتار پلیس شوند. به گزارش «جوان»، سرهنگ پیمان لطیفی سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت توضیح داد: روز گذشته زنی در محدوده خیابان جیدری بودند که متوجه شدند دو مرد و یک زن کنار خیابان ایستاده و از خودروهای عبوری درخواست بنزین می‌کنند. مأموران پلیس در بررسی پلاک



راندده سواری پژو پارس در جریان حادثه‌های مرسوز در انفجار بمب‌جاساز شده داخل خودرواش به کام مرگ رفت. به گزارش «جوان» ساعت ۲۱ شامگاه سه‌شنبه دوازدهم بهمن رهگذران ساکنان خیابان خواجهی کرمانی در منطقه کیتشهر تهران صدای مهیبی به گوششان رسید. رهگذران مشاهده کردند خودروی پژو پاریس در کنار پارک شهدای غزه‌منفجر و در آتش شعله‌ور شده‌است. صدای انفجار انقدر شدید و مهیب‌بود که ساکنان آن محل همگی از خانه‌هایشان بیرون آمدند و بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس و آتش‌نشانی خبر دادند. لحظاتی بعد چند تیم عملیاتی از آتش‌نشانی و تیمی از مأموران کلانتری ۱۵۸ کیتشهر در محل حاضر شدند. شعله‌های آتش خودرو را مهار و دقایقی بعد خاموش کردند.

پس از خاموش شدن خودروی پژو پارس مشخص شد مرد جوانی که راننده آن بوده داخل خودرو به کام مرگ رفته‌است. بنابراین با اعلام خبر مرگ مرد جوان قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شدند. از سوی دیگر از آنجایی که احتمال می‌رفت خودرو بمب‌گذاری شده باشد تیمی از مأموران ویژه خشتی بمب به محل اعزام شدند و به بررسی

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵



شکوه همدلی مردم ایران در تشییع ۲ کودک افغانستانی

پیدا می‌کند که هیچ نشانه‌ای از همراهی مردم کشور در آن نمود پیدا نمی‌کند. مثل همراهی مردم با خانواده وزیر و زلیخا، دو کودک افغان که در جریان حادثه راندگی فوت شدند. شامگاه هشتم بهمن ماه وزیر و زلیخا، خواهر و برادر افغان در یکی از محله‌های شهرستان نورآباد ممسنی در حال دوچرخه‌سواری بودند. وقتی عقر به‌های ساعت روی ۱۱:۹ قرار گرفت، به امدادگران اورژانس خیر رسید که حادثه‌ای خونین در همان محل رقم خورده‌است. با حضور امدادگران مشخص شد خودروی عبوری با دو کودک تصادف کرده و راننده از محل گرخته است.

در اولین بررسی‌ها مشخص شد زلیخا، دختر بچه شش ساله در همان محل به علت شدت جراحت فوت شده‌است. برادر ۱۱ ساله‌اش وزیر در حالی که علائم حیاتی داشت، خیلی زود به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. کار افغان‌های مقیم حاضر شدند و بعد از اقامه



بزرگان برای نجات وزیر به جریان آمده، اما دوک تا خانه ابدی تشییع و به خاک سپرده شد. براساس این گزارش روز تشییع خیر رسید که راننده متواری خود را تسلیم پلیس و از کارش ابراز تا ندامت کرده‌است.

تمام شدن بنزین خودروی سرقتی سارقان را گرفتار کرد

خودروی آنها متوجه شدند که خودرو اعلام سرقت شده است، بنابراین برای دستگیری سارقان وارد عمل شده و هر سه‌متهم را دستگیر و همراه خودروی سرقتی به کلانتری منتقل کردند.

بررسی سوابق متهمان نشان داد که هر سه از مجرمان سابقه‌دار هستند که قبلاً به اتهام سرقت بازداشت شده بودند. آنها در بازجویی‌ها به سرقت خودرو و ۱۰ اسرقت مشابه اعتراف کردند. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

دو مرد و یک زن که پس از سرقت خودروی سواری با خیال راحت در حال فرار بودند. فکرش را نمی‌کردند با تمام شدن بنزین خودرو گرفتار پلیس شوند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ پیمان لطیفی سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت توضیح داد: روز گذشته زنی در محدوده خیابان جیدری بودند که متوجه شدند دو مرد و یک زن کنار خیابان ایستاده و از خودروهای عبوری درخواست بنزین می‌کنند. مأموران پلیس در بررسی پلاک

انفجار بمب، جان راننده پژو را گرفت

خودروی منفجر شده پراختند. نخستین بررسی تیم خشتی بمب نشان داد به احتمال زیاد این خودرو به‌وسیله مواد منفجره، دینامیت یا بمب منفجر شده به طوری که آتش تمامی خودرو را فرا گرفته و شدت انفجار هم به حدی بوده که کل ماشین از کابین گرفته تا کف و صندوق عقب آن از بین رفته‌است. همچنین در بررسی‌های بعدی مشخص شد بمب بمواد منفجره احتمالاً در صندوق عقب یا زیر خودرو جاسازی شده که پس از انفجار مرگ دلخراش راننده را به دنبال داشته‌است.

از سوی دیگر مأموران پلیس در بررسی‌های تخصصی هویت مرد فوت شده را به نام منصور ۲۵ساله شناسایی کردند که مشخص شد منصور از متهمان سابقه‌دار است که دو‌سابقه درگیری با مأموران پلیس و شرکت در نزاع دسته‌جمعی منجر به قتل در پرونده‌اش ثبت شده‌است.

مأموران پلیس دریافتند منصور که خانه‌اش در منطقه کیتشهر تهران و در فاصله دو کیلومتری محل انفجار است سال قبل در نزاع خونینی در شهرستان ایلام شرکت داشته‌است که در این نزاع مرد جوانی به قتل می‌رسد و پس از آن منصور از ایلام فرار می‌کند و به خانه‌اش در تهران می‌آید. پس از این مأموران پلیس ایلام با گرفتن نیابت قضایی به تهران می‌آیند و متهم را که درگیری مرگبار حضور داشته‌است، بازداشت و به

اسرار

سردار حسین رحیمی*

پلیس زن

بانویی در تراز انقلاب اسلامی



زنان پلیس، هم در حوزه زندگی شخصی و خانوادگی و هم در حوزه کاری و سازمانی به خوبی درخشیدند و به‌عنوان بانویی در تراز انقلاب اسلامی به خوبی در جایگاه‌های مختلف با رعایت حجاب و عفاف نقش آفرینی کردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، زنان که پیش از آن بیشتر به آنان نگاهی ایزاری می‌شد و به‌عنوان کالایی مصرفی به آنان نگاه می‌شد، تشخص و جایگاه انسانی خود را به دست آوردند و به‌عنوان عنصری تأثیرگذار و سازنده به آن پرداخته شد. آنچنان که امام‌راحل در فرآزی از سخنان خود فرمودند: که از دامان زن، مرد به معراج می‌رسد که این جمله مبین نقش سازنده زنان در جایگاه مادری و همسری است که می‌تواند تأثیر به‌سزایی در سرنوشت یک انسان و یک جامعه داشته‌باشد.

استفاده بهینه و مناسب از منابع انسانی، یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق اهداف توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و توسعه پایدار با محوریت نیروی انسانی محقق می‌شود. «بانوان» نیمی از جمعیت جامعه ما هستند که در عین حال با نیم دیگر جمعیت به‌عنوان مادر، همسر و دختر نقش آفرینی می‌کنند. پس حضور زنان در سطوح مختلف اجتماعی ظرفیت‌های توسعه‌پذیری اجتماعی را افزایش داده و بستر نبل به اهداف بلند مدت پیش‌رو را بیش از پیش فراهم می‌آورد، یکی از مشاغلی که به‌خصوص در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته و پیش از این نیز خلأ آن احساس می‌شد، جذب و به‌کارگیری کارکنان زن در مشاغل انتظامی بود. شغلی که در نگاه اول ممکن است با توجه به ویژگی‌ها و مشکلات مرتب‌تر بر آن، مردانه به‌نظر بیاید، اما در حال حاضر با حضور مؤثر و چشمگیر زنان در پلیس، تحت عنوان «پلیس زن»، شاهد نقش آفرینی زنان در حوزه‌های مختلف کارشناسی، اجرایی، مشاوره و مددکاری و سامانه ۱۱۰ هستیم.

از زمان جذب و به‌کارگیری زنان در پلیس، حدود دو دهه می‌گذرد، اما این حضور با تأثیرگذاری بالای خود آنچنان پررنگ بوده که دیگر ساختار و سازمان پلیس را نمی‌توان بدون حضور زنان پلیس در نظر گرفت؛ همگام با افزایش مأموریت‌های پلیس در حوزه‌های مختلف از اهنمایی و رانندگی گرفته تا ندامت آگاهی، پلیس مبارزه با مواد مخدر و سازمان اطلاعات و لزوم رعایت حقوق شهروندی و مبانی دینی، حضور مؤثر پلیس زن علاوه بر حسن انجام و فرجام مأموریت‌ها، نوعی تسهیل‌گری نیز به همراه دارد؛ نبوغ بانوان در برقراری ارتباطات کلان، حمایتی و حتی عاطفی در ارفاش نقش تسهیل‌گری به خوبی، خود را نشان داده و بعضاً حتی می‌تواند از تنش‌های فیزیکی بکاهد.

به‌کارگیری بانوان در بخش‌هایی از فعالیت‌های انتظامی که بیشترین تعامل را با مردم دارند، راهکاری بسیار هوشمندانه و البته مؤثر است؛ چراکه به دلیل ویژگی‌های خاص زنانه مانند صبور بودن، مهارت گوش دادن و برقراری ارتباط، توانایی همراهی و همدردی بیشتر با مراجعان و ایجاد توازن میان عقل و احساس، می‌توان بسیاری از پرونده‌های ورودی را که امکان صلح و سازش دارند، به نتیجه‌ای مطلوب رساند،

زنان پلیس در برخی حوزه‌ها از جمله مشاوره و مددکاری به واقع از قابلیت‌های بیشتری برخوردار هستند که توأمان احساسات و عواطف و عقلانی بودن را به همراه دانسته و با درک صحیح از موقعیت‌های خاص، خطر آفرینی و قهرمانانه، به خوبی ایفای نقش می‌کنند.

ساختار روحی و روانی زنان به گونه‌ای است که می‌توانند علاوه بر حفظ خود به‌عنوان یک بانو، وظایف سازمانی خود را به بهترین نحو انجام داده و در مقابل وظایف همسری، مادری و امور جاری زندگی خویش را نیز به پیش برند که همه این موارد هم از ویژگی‌های خاص زنانه است و هم از رشد و نمو جسمی و روحی یک زن نشئت می‌گیرد.

به‌طور حتم حضور مؤثر زنان در جامعه از یک سو و پذیرش نقشی سنگین مانند پلیس بودن از سوی دیگر، تصدیقی بر این مدعاست که اگرچه زنان از حیث فیزیکی دارای طرافت‌های زنانه هستند، اما در باطن روحی بزرگ و ارشد یافته دارند که از یک سو خانه و خانواده خود را مدیریت کرده و از سوی دیگر وظایف سازمانی خود را به بهترین شکل به سرانجام می‌رسانند؛ اینجاست که زنان پلیس، هم در حوزه زندگی شخصی و خانوادگی و هم در حوزه کاری و سازمانی، به خوبی درخشیدند و به‌عنوان بانویی در تراز انقلاب اسلامی به خوبی در جایگاه‌های مختلف با رعایت حجاب و عفاف نقش آفرینی کردند و با تشخیص که انقلاب اسلامی ما برای بانوان به ارمان آن آورد هر کجا به بانوان اعتماد شده، شاهد نتایج بهتر و افزایش بار مثبت فعالیت‌های آنان بوده‌ایم.

***فرمانده انتظامی تهران بزرگ**

مفقودی

سند موتور سیکلت سیستم سپند ۱۲۵ تیپ CDI وی آی آن رنگ قرمز مدل ۱۳۸۹ شماره پلاک ۴۳۲۹ ۴۳۵ شماره موتورNB۵۱۲۵S۸۹۱۳۲۰۷ ۱۵۶FM۱۸۵۱۰۸۲۲۷ شماره شاسی ۶۳د۱۸۹ شماره پلاک NAAN۰۱cA۰Ek۸۴۹۴۵۷

ایران ۵۹ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

گلستان

سند مالکیت سواری پژو پارس Xu۷ مدل ۱۳۹۳ به

شماره موتور ۰۲۴۲۰۴۲۰K۰۱۲۴k و شماره شاسی ۶۳د۱۸۹ شماره پلاک NAAN۰۱cA۰Ek۸۴۹۴۵۷

ایران ۵۹ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

گلستان

برگ سبز خودرو پژو تیپ ۲۰۶ مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید

روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸-۳۳۴ و ۷۸) به شماره موتور ۱۴۱۹۱۰۲۵۳ شماره شاسی ۰۳ED۷CJ۵۷۴۴۵۷ NAAP

متعلق به لیلا شاهرادی مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

البرز

برگ سبزو برگ کمیاتی خودرو پراید ۱۳۱ SE مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۸-۴۶۴-۵۴) به شماره موتور ۵۵۲۳۴۴۴ شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۱۱۸۹۲۲۹ متعلق به نور تاج عابدی گلشن مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

البرز

برگ سبز خودرو پژو پارس TU۵ مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸-۳۹۹-۱۹) به شماره موتور ۰۲۵۲۴۲۴ شماره شاسی NAAN۱۱FEAMH۶۸۵۲۱۳ متعلق به هوشنگ سلطانی دیشابی مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

البرز

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۶



امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۶